روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۳۹۵ | دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ | ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۲ |
غروب آفتاب: ۱۷:۰۹ | اذان مغرب: ۱۷:۲۹ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۷ | اذان صبح فردا: ۰۵:۴۶ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۱۴ |


یادداشت | حمیدرضا جلالی‌فراهانی*

## با اینستاگرام چه باید کرد؟

ماجرای حذف تصاویر سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی عزیز از اینستاگرام حتی در این دو سال که از فراقش می‌گذرد، داشت برایمان عادی می‌شد اما حضور پرشور کاربران ارادتمند و علاقه‌مند به حاج قاسم در اینستاگرام نقشه بازی اینستاگرام را به هم ریخت.

حجم انتشار مطالب و محتوای مربوط به سردار دل‌ها به اندازه‌ای زیاد بود که هشتگ Hero در سطح جهان سومین هشتگ شد، این عمل در حالی صورت گرفت که کنترل پلت‌فرم در دست امریکایی‌هاست. گرچه باید بر این وضعیت فعالیت در پلت‌فرم اینستاگرام گریست، اما باز هم یادمان مجازی حاج قاسم پرشور و خارج از تصور برگزار شد و محتوای غالب اینستاگرام را تحت تأثیر قرار داد. مارک زاکربرگ کسب و کار خویش موسوم به meta(متا) را برای نشر آرمان‌های انقلاب اسلامی و نکوداشت حاج قاسم ایجاد نکرده بلکه هلدینگ meta در راستای اهداف امپراطوری رسانه‌ای غرب و صهیونیسم و کنترل افکار عمومی دیگر ملل ایجاد شده است، حال شرایط برخلاف میل و حامیان وی در پنتاگون، رقم خورده و از روش سانسور برای پنهان کردن این محتوای خدایی استفاده کرده است. ناگفته نماند نامزد اسبق زاکربرگ در مصاحبه‌ای افشا کرده بود که در واقع طراح اصلی فیس‌بوک و سرویس‌های اقماری‌اش، وزارت دفاع امریکاست.

به فرمایش قرآن کریم مقدس:

«آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند، هر چند کافران خوش نداشته باشند!»

تلاش فیس‌بوک و اینستاگرام بر خاموش کردن یاد حاج قاسم است اما در این دو سال، برخلاف میل‌شان، مردم بیشتر از گذشته به یاد حاج قاسم بودند و برایش سوگواری کردند. می‌توان توجه و خروش مردم را در اینستاگرام برای حاج قاسم امداد الهی دانست چراکه نمی‌توان در زمین بازی دشمن پیروز بود، مگر با نصرت الهی. اما باید با این رفتار نژادپرستانه و متکبرانه اینستاگرام چه کرد؟

نخست نباید از یاد ببریم که عامل تسلط اینستاگرام بر فضای مجازی کشور، خودمان بوده‌ایم که چنین اجازه‌ای داده‌ایم، وگرنه خداوند تسلط کفار بر مؤمنان را به حکم قاعده نفی سبیل خوش ندارد و مجاز نمی‌داند.

دوم اینکه سیاست مماشات و شترسواری دولادولا دیگر درباره اینستاگرام راهگشا نیست. رفتار اینستاگرام بوی توهین و گردنکشی به سردار عزیزمان حاج قاسم را می‌دهد. مگر نه این است که حاج قاسم یکی از قرمزترین خطوط نظام و مردم است؟! لذا باید سیاست شفافی درباره اینستاگرام داشته باشیم و طی مدت‌زمان معین خواسته شود تا یک نماینده قانونی معرفی کند و رفتار متکبرانه‌اش در چارچوب قانون کشورمان درآید. در ماجرای پیک شدید کرونا در کشور هند، دولت این کشور تنها ۴۸ ساعت به توئیتر برای معرفی نماینده قانونی‌اش فرصت داد و توئیتر نیز سریعاً نماینده‌اش را معرفی کرد.

سوم اینکه در کنار این راه‌حل باید از راه دیپلماسی و رایزنی با کشورهای محور مقاومت یا متحد با کشورمان، درباره هم‌افزایی در فضای سایبری در خصوص موضوعات مشترک اقدام کنیم تا از این راه بتوان تولید قدرت سایبری در حوزه محتوا را محقق کرد و از موضع انفعال خارج شد.

چهارم اینکه یک پیام‌رسان به عنوان پیام‌رسان رسمی کشور برگزیده شود و تعاملات مسئولان و کاربران از این طریق انجام شود تا بتوانیم از طریق گفتمان‌سازی و دیپلماسی سایبری همسایگان و مخاطبان دیپلماسی و گفتمان جمهوری اسلامی را در این شبکه اجتماعی جذب کنیم. این رهیافت باعث شکل‌گیری شبکه اجتماعی ملی و بین‌المللی با رویکرد ضداستعماری و هم‌افزایی می‌شود، ان‌شاءالله.

* کارشناس فضای مجازی

حکمت

امام صادق(ع):
**یکی از نصایح لقمان به پسرش این بود که گفت: «ای پسرم! بخشی از روز و شب و ساعات خود را برای دانش‌پژوهی قرار ده، زیرا هیچ زیانی را مانند ترک آن نخواهی یافت».**
**(الأمالی شیخ مفید: ص۲۹۲ ح ۲)**

نما | حسین کشتکار

# حمله به فردوسی با جعلیات!

## حساسیت روی ابیات سست و برساخته یا الحاقی، کمک به مفهوم بلند اصالت در هنر و ادبیات است

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

**طی روزهای اخیر بحث اشعار جعلی و انتساب آنها به «شاهنامه» و فردوسی در فضای مجازی داغ شده و واکنش بسیاری از چهره‌های سرشناس حوزه ادبیات و شاهنامه‌پژوهی کشورمان را در پی داشته است؛ ابیاتی که حتی برخی از آنها در کتب درسی دانش‌آموزان و افواه عموم مردم نیز با همین عنوان و در قالب اشعار حماسی و وطنی تکرار شده‌اند.**

انتشار اشعار جعلی و انتساب آنها به برخی شعرا به دلایل مختلفی در تاریخ ادب و هنر کشورمان بروز و ظهور داشته است؛ قصور نسخه‌برداران از متن اصلی یا برخی اقدامات ذوقی از سوی کسانی که طبع شعری هم داشته‌اند، در بروز این مسئله نقش داشته‌اند اما با گسترش فضای مجازی بازار این جعلیات به شکل عجیب و غریبی در حال ازدیاد و با واکنش‌های متفاوتی همراه بوده است. انتشار و انتساب برخی اشعار جعلی به نام فردوسی بهانه‌ای شد تا برخی چهره‌های ادبی کشورمان از جمله استاد شفیعی کدکنی در صفحه شخصی در فضای مجازی ضمن انتشار این جعلیات، دست به روشنگری بزنند.

■ **بازار بی‌پروایی‌ها**

صفحه منسوب به استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در واکنش به اشعاری که به عنوان «ابیات جعلی و برساخته دیگران به نام فردوسی» منتشر شده است، می‌نویسد: «هدف از انتشار ابیات جعلی و برساخته دیگران با نام بلند حکیم فردوسی و شاهنامه که البته به سببِ خیرِ پیام‌ها، درخواست‌ها یا دشنام‌ها، پی گرفته شد، جلوگیری از هرج و مرجی است که با گسترش بی‌حد فضای مجازی در صدها کانال و رسانه با هدف دوستی با فرهنگ و آثار ملی ایران یا دشمنی با آن به راه افتاده است.»

در ادامه این متن آمده است: «امروز، روز بازارِ بی‌پروایی‌هاست. هر کسی بر اساس اغراض درونی، حزبی، قومی، زبانی یا ندانستن‌ها، ابیاتی دلخواه، همسو با شور و هیجان درونی خود، تشخیص شخصی و اهداف دیگر به آثار ملی ما می‌چسباند و دست به دست می‌کند. این رسانه به قدر توان و ظرفیت خود، تلاش دارد ابیات مشهور جعلی شاهنامه را به گواه نسخه‌های معتبر و سخن شاهنامه‌شناسان معرفی کند؛ توصیه‌ای که همه خادمان فرهنگ ایران و شاهنامه‌شناسان در هر دوره و عصری مدام گفته‌اند و مایه آزردگی عمیق آنها بوده است. معرفی بیت جعلی و برساخته در آثار ملی ما، کمک به رهایی این آثار از افزودن‌ها و کاستن‌ها به هر بهانه و شکل در هر دوره و عصری است و کمک به شناخت بهتر این آثار است، زیرا «صحت انتساب و قطعیتِ صدور» اصل بنیادین تمامی پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی است. حساسیت روی ابیات سست و برساخته یا الحاقی، کمک به مفهوم بلند اصالت در هنر و ادبیات است.»

**هر کسی بر اساس اغراض درونی، حزبی، قومی، زبانی یا ندانستن‌ها، ابیاتی دلخواه، به آثار ملی ما می‌چسباند**

از جمله ابیاتی که در صفحه منسوب به شفیعی کدکنی به آنها اشاره شد به این شرح است:

زشیر شتر خوردن و سوسمار / عرب را بدانجا رسید است کار / که تاج کیانی کند آرزو / تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

«بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی

که رستم یلی بود در سیستان / منش کرده‌ام رستم دستان

چنین گفت پیغمبر راستگوی / زگهواره تا گور دانش بجوی»

■ **اتفاقی عجیب اما واقعی**

به غیر از انتساب این اشعار جعلی به فردوسی بسیاری از شاهنامه‌پژوهان از جمله ابوالفضل خطیبی، شاهنامه‌پژوه، نویسنده و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی معتقدند ابیات معروف دیگری مثل «چو ایران نباشد تن من مباد / بر این بوم و بر زنده یک تن مباد / همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم» نیز تماماً متعلق به فردوسی نیستند. در واقع آنها بر اساس مطابقت نسخه‌های معتبر شاهنامه و نیز پژوهش‌های تاریخی پی برده‌اند که مصرع اول این شعر متعلق به نبرد رستم و سهراب است اما مصرع دوم آن توسط شخصی به اسم حبیب‌الله نوبخت‌شیرازی که نماینده مجلس و از ملی‌گراهای ایرانی در دوران جنگ جهانی دوم و طرفدار هیتلر بوده، سروده شده و کنار هم قرار گرفته است. او شاعر بسیار خوش‌ذوق و بااستعدادی بود و منظومه‌ای به نام «پهلوی‌نامه» دارد که شامل ۱۰۰هزار بیت است که نسخه آن در کتابخانه ملی موجود است. این شخص بیت بعدی این شعر را که در جای دیگری از شاهنامه که مربوط به حمله رستم به افراسیاب است با استفاده از قریحه و ذوق خودش در کنار مصرع‌های قبلی به این شکل آورده است. در واقع سرداران و پهلوانان تورانی زمانی که به افراسیاب می‌گویند چرا ترسیده‌ای و باید مقاومت کنی و از شهر و کشور و مردمان خود دفاع کنیم، این بیت از زبان پهلوانان تورانی خطاب به افراسیاب است و دشمن در این بیت یعنی ایرانیان که نوبخت‌شیرازی در کاری ذوقی چینش آنها را تغییر داده که امروزه به اسم یکی از اشعار حماسی شاهنامه مشهور شده است.

■ **عجم!**

از مباحثی که در رابطه با این جعلیات مطرح می‌شود، انتساب و به کار بردن لفظ عجم برای ایرانیان در شعر معروف «بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی» است که با توجه به حساسیت این شاعر به زبان و ادبیات پارسی، تمجید پهلوانان و فرهنگ ایران‌زمین و نیز اعراض از روا داشتن هر گونه تحقیر و استخفاف در مورد ایرانی‌ها، انتساب سرایش چنین اشعاری از سوی فردوسی بعید است. چه اینکه لفظ «عجم» که اعراب باستان برای هر غیرعربی استفاده می‌کردند، به معنای «گُنگ، لال و بیگانه» است. در واقع اعراب به خاطر تعصبات جاهلی در واکنش به کسانی که زبان عربی را متوجه نمی‌شدند یا نمی‌توانستند به آن تکلم کنند، از واژه عجم یا گُنگ و لال استفاده می‌کردند.

اگرچه لفظ «عجم» فقط سه بار در برخی نسخه‌های شاهنامه آورده شده اما با استناد به نوع نگرش فردوسی در تفاخر و تمجید از فرهنگ ایرانی احتمال جعلی بودنشان بسیار بالاست.

انتشار این جعلیات در درازمدت به مخدوش شدن اعتبار دیگر اشعار مستند و واقعی شعرای کشورمان خواهد انجامید؛ اقدام مخربی که نیاز به روشنگری رسانه‌ها دارد.

گفت‌وگو

پخش‌کننده فیلم «دینامیت» در گفت‌وگو با «جوان»:

## فیلمی که زیر ۳۰ میلیارد بفروشد، ضرر ده است

■ **محمدصادق عابدینی**

**فیلم سینمایی «دینامیت» توانست با عبور از فیلم‌های «مطرب» و «هزارپا» عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران را به دست آورد، ولی این میزان فروش به دلیل افزایش بهای بلیت رقم خورده است.**

در سال ۱۴۰۰، قیمت بلیت سینما ۳۰هزار تومان تعیین شده است، اگرچه در برخی شهرها و سینماها این رقم پایین‌تر است و روزهایی در هفته نیز برای رونق سینماها، بلیت‌ها نیم‌بها می‌شود. رسیدن به فروش‌های میلیاردی با چنین رقم بلیتی چندان دور از دسترس نیست، با این حال هنوز هم میلیاردی شدن برای اکثر فیلم‌ها سخت است، چه رسد به اینکه هوس رکوردشکنی داشته باشند.

■ **مخاطب پایین است!**

جدول پرفروش‌ترین‌های سینمای ایران این روزها نام «دینامیت» را در رأس خود می‌بینند، با آنکه این فیلم در جدول پرمخاطب‌ترین فیلم‌های سینما جایی ندارد. این موضوع به این معناست که به رغم فروش خوب این فیلم، میزان مخاطب سینما به طور کل کاهش محسوس پیدا کرده است و اگر افزایش قیمت بلیت نبود، امکان رکوردشکنی برای «دینامیت» بسیار سخت می‌شد. سعید خانی، تهیه‌کننده و پخش‌کننده سینما که پخش فیلم «دینامیت» را بر عهده دارد، در گفت‌وگو با «جوان» در خصوص رکوردشکنی این فیلم می‌گوید: «قطعاً رکوردشکنی اتفاق خوبی است و نشان‌دهنده استقبال مردم از فیلم است، ولی چند فیلم می‌توانند در سال به این میزان فروش برسند که بگوییم فروش سینمای ایران شرایط خوبی دارد؟»

خانی با بیان اینکه در شرایط خوب اکران می‌توانیم تا ۸۰فیلم در سال اکران داشته باشیم، اما در مجموع این میزان اکران آیا هشت فیلم نیز می‌توانند به فروش بالای ۳۰میلیارد تومان برسند؟» وی ادامه می‌دهد: «هم اکنون میزان مخاطبان فیلم دینامیت زیر ۲میلیون نفر است و امیدواریم خیلی زود به رقم ۲میلیون مخاطب برسیم ولی این میزان حدود ۲/۵درصد از کل جمعیت ایران است. به عبارت بهتر بیش از ۹۷درصد از مردم ایران فیلم را ندیده‌اند و این نکته قابل توجهی است.»

پخش‌کننده فیلم «دینامیت» با تأکید بر اینکه یکی از راه‌های افزایش میزان مخاطب سینماها، بالا رفتن کیفیت ساخت آثار و اطلاع‌رسانی خوب است، می‌افزاید: «بحث تبلیغات هزینه‌های زیادی را به پخش‌کننده‌ها تحمیل می‌کند و هزینه‌های سرسام‌آور این بخش باید با کمک شهرداری‌ها کاهش پیدا کند.» خانی می‌گوید: «ساخت سالن‌های جدید سینما و ایجاد سینما در شهرهایی که فاقد سالن سینما بوده‌اند، می‌تواند جامعه مخاطبان سینما را بیشتر کند و باعث افزایش فروش فیلم‌ها شود.»

■ **فروش زیر ۳۰میلیارد، یعنی ضرر**

تهیه‌کننده سینمای ایران در پاسخ به این سؤال که آیا این میزان فروش «دینامیت» به معنای سودده‌ی خوب سینماست؟ می‌گوید: «با توجه به هزینه‌های سینمای ایران، ساخت یک فیلم سینمایی حداقل ۱۰میلیارد تومان هزینه خواهد داشت و از آنجا که حدود ۳۰درصد از فروش فیلم به تهیه‌کننده خواهد رسید، عملاً یک فیلم باید بالای ۳۰میلیارد تومان فروش داشته باشد که هزینه ساخت فیلم تأمین شود و برای تهیه‌کننده سودآوری داشته باشد.» خانی با مقایسه سینمای ایران با سینمای امریکا و اروپا خاطرنشان می‌کند: «در دنیا به خصوص سینمای امریکا و کشورهای اروپایی، حدود یک‌سوم از سوددهی فیلم مربوط به فروش گیشه است و درآمد اصلی فیلم مربوط به فروش رایت آن برای شبکه نمایش خانگی، اکران‌های خارجی و لوح فشرده و حتی اقلام مربوط به فیلم است، این در حالی است که این درآمد برای سینمای ایران وجود ندارد.»

تهیه‌کننده سریال «حرفه‌ای» که به طور اختصاصی از یکی از پلت‌فرم‌ها پخش می‌شود، می‌گوید: «متأسفانه در سینمای ایران، ما با پدیده قاچاق روبه‌رو هستیم و آثار روی پرده و حتی شبکه نمایش خانگی به سرعت قاچاق و از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شوند. این کار به سینمای ایران ضرر زیادی وارد می‌کند. در شرایطی که مردم به تماشای فیلم از طریق پلت‌فرم‌ها روی آورده‌اند، انتخاب فیلم برای تماشا در سینماها سخت شده و یک فیلم باید آنها را مجاب کند تا به جای تماشای فیلم در خانه به سینما بیایند و یکی از دلایل کاهش فروش سینماها همین مسئله است.»

دیده‌بان

شورای صنفی اکران اعلام کرد

## اکران «عنکبوت» و تذکر به «حکم تجدیدنظر»

**با اعلام شورای صنفی نمایش فیلم سینمایی «عنکبوت» ساخته ابراهیم ایرج‌زاد از ۲۳ بهمن‌ماه به نمایش عمومی درمی‌آید.**

به گزارش مهر، جلسه شورای صنفی نمایش دیروز برگزار و طی آن مقرر شد فیلم سینمایی «مرد نقره‌ای» ساخته محمدحسین لطیفی از ۲۲ دی ماه به نمایش دربیاید. همچنین در این جلسه مصوب شد فیلم سینمایی «بی‌صدا حلزون» ساخته بهرنگ دزفولی‌زاده، «مورچه‌خوار» ساخته شاهد احمدلو، «عاشق‌پیشه» ساخته داوود موثقی و «عنکبوت» ساخته ابراهیم ایرج‌زاد از ۲۳ بهمن ماه راهی اکران شوند.

در این جلسه بر این تأکید شد که هیچ سینمایی در سراسر کشور حق نمایش تک‌سانس قبل از ساعت ۲۲ را ندارد.

در عین حال در این جلسه عنوان شد که به صاحبان فیلم سینمایی «حکم تجدید نظر» ساخته محمدامین کریم‌پور که بدون مجوز اقدام به اکران آنلاین این اثر کرده‌اند و پلت‌فرم‌های مرتبط اخطار داده شده است و متعاقباً پیگیری‌های لازم درباره این اقدام به عمل خواهد آمد.

رویداد

## لبخنده با «در پناه تو» حجاب برتر را ترویج داد

### پیکر «حمید لبخنده» امروز راهی خانه ابدی می‌شود

**پیکر مرحوم «حمید لبخنده» کارگردان سینما و تلویزیون که اغلب مردم خاطرات زیادی با او و سریال‌هایی مثل «در پناه تو» و «در قلب من» دارند، امروز در بهشت زهرا(س) تشییع و به خاک سپرده می‌شود.**

مراسم خاکسپاری حمید لبخنده، کارگردان فقید سینما و تلویزیون کشورمان که مدتی پیش به دلیل بیماری تحت عمل جراحی قرار گرفت اما در نهایت عصر روز شنبه - ۱۸دی ماه- بر اثر عوارض ناشی از عمل جراحی درگذشت، امروز ساعت ۱۰ در قطعه ۱۱۰ بهشت زهرا(س) برگزار می‌شود.

لبخنده کارگردانی سریال‌های «در پناه تو»، «مهر و ماه»، «در قلب من» و «با من بمان» را در کارنامه هنری خود دارد. اغلب مخاطبان دهه ۷۰ سریال‌های تلویزیونی این کارگردان متولد شهر اهواز را با سریال در پناه تو می‌شناسند. این سریال که در روزگار خودش جزو پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیونی محسوب می‌شد نه فقط در بین خانواده‌ها بلکه برای بسیاری از جوانان آن ایام جزو نوستالژی‌های زندگی‌شان محسوب می‌شود. سریال «در پناه تو» داستان زندگی دختری دانشجو به اسم مریم را روایت می‌کند که در کش و قوس زندگی دانشجویی و خواستگاری دو نفر از هم‌دانشگاهی‌هایش وارد ماجراهای شخصی و خانوادگی عجیب و غریب و جالبی می‌شود که زندگی او، خانواده‌اش و چند خانواده دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، این سریال یکی از قصه‌های جذاب و سریال‌های پرمخاطب تلویزیونی در دهه ۷۰ بود.

اثرگذاری این سریال در بین لایه‌های مختلف جامعه تا جایی پیش رفت که بسیاری از دختران جامعه و به خصوص دانشجویان دختر را به سمت پوشیدن چادر سوق داد. در حالی که این سریال یکی از مجموعه‌های پرمخاطب دهه ۷۰ تلویزیون بود اما حواشی سانسور پنج قسمت از آن و حذف بازی پارسال پیروزفر در آن که منجر به تغییر پایان‌بندی آن هم شد، دلخوری‌هایی را برای این کارگردان فقید ایجاد کرد؛ موضوعی که لبخنده سال‌ها بعد در گفت‌وگو با برخی رسانه‌ها گلایه‌هایی پیرامون آنها مطرح کرد.

لبخنده چندی پیش در گفت‌وگویی با برخی رسانه‌ها ضمن بیان این گلایه‌ها گفته بود: به طور معمول ما سریال‌سازی را کنار نمی‌گذاریم بلکه کنار گذاشته می‌شویم. در این سال‌ها طرح‌هایی را ارائه دادم و به مراحلی هم رسیده اما در نهایت به دلیل ایجاد اختلاف سلیقه با مسئولان به جایی نرسیده است و همین شده تا خیلی‌ها فکر می‌کنند من دوست ندارم با تلویزیون که خانه خودم است، همکاری داشته باشم!

جشنواره

داور دوازدهمین جشنواره عمار در گفت‌وگو با «جوان»:

## بین تولیدکننده و ایده‌پرداز انیمیشن باید پل زد

**بیشتر تیم‌های انیمیشن بچه‌های انقلابی هستند که با تمام توان و حداقل امکانات کار می‌کنند.**

مصطفی حسن‌آبادی، داور بخش «پویانمایی» دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار با بیان این مطلب به «جوان» گفت: آثار امسال جشنواره در بخش پویانمایی، نسبتاً خوب بودند اما می‌توانستند از نظر تکنیک و فرم قوی‌تر باشند. آثار خوبی هم وجود داشت. بحثی که وجود دارد این است که باید ارتباطی بین تولیدکنندگان و سفارش‌دهندگان ایجاد کرد. به واسطه این ارتباط، هم خودشان سریع پیشرفت می‌کنند و هم آثار حرفه‌ای‌تری تولید می‌شود. این تولیدکنندگان، دغدغه و مشکلاتی داشتند که خودمان در سال‌های قبل، با آنها دست‌وپنجه نرم کرده بودیم. با حمایت، این دوستان مسیر پیشرفت را سریع‌تر طی می‌کنند و آثار مقبول‌تری را در جشنواره سال آینده می‌بینیم.

حسن‌آبادی خاطرنشان کرد: تولید انیمیشن یک کار انقلابی است، زیرا با توجه به پروسه طولانی تولید و هزینه‌های سنگین، باید جهادی کار کرد. بیشتر تیم‌های انیمیشن نیز بچه‌های انقلابی هستند که با تمام توان و حداقل امکانات کار می‌کنند. برای حمایت از این گروه‌ها راه‌های مختلفی وجود دارد. دوستان حوزه هنری سعی می‌کنند با شعار تولیدهای خارج از پایتخت، این اتفاق را رقم بزنند. این حمایت در جشنواره عمار خیلی بهتر اتفاق می‌افتد. با توجه به توقعات کمی که این قشر دارد، محصولات می‌توانند اثرگذار و پرنفوذ باشند. قطعاً انیمیشن می‌تواند بازوی مستحکمی برای رسانه‌های تولیدی عمار باشد و امیدوارم این اتفاق در سال‌های آینده بیفتد. خیلی از آثار شاید قابلیت پخش در تلویزیون و سینما، به صورت خاص نداشته باشند اما جشنواره و عماریار می‌تواند انگیزه مضاعفی برای بچه‌های انیمیشن رقم بزند.

مستند

همراه با دوازدهمین جشنواره عمار

## «داستان امام جمعه» مستندی شریف و نجیب

■ **طاهره واهی**

آنچه در ذهنم از ائمه جمعه و نماینده ولی فقیه شکل گرفته بود، علامه‌ای بود نشسته بر این مسند که همیشه با چند محافظ و شاگرد، این‌طرف و آن‌طرف می‌رفت. این را در همان شهر کوچک و استان خودمان دیده بودم، البته ائمه مساجد محلی اینگونه نبودند و نیستند اما خب، برای منِ متولد دهه ۶۰ تنها چهره نماینده فقیه همان بود که نوشتم؛ کسی که در دفتر محل کارش نشسته و دیدارش هم به این سادگی‌ها میسر نبود اما هنگامی که نشستم به دیدن مستند «داستان امام جمعه» با چهره اصلی آنان آشنا شدم؛ چیزی که باید باشد.

این مستند نشان می‌دهد یک امام جمعه در یک منطقه خاص جغرافیایی چگونه و تا چه اندازه می‌تواند اثرگذار باشد. این فیلم که به زندگی آیت‌الله عبادی، اولین امام جمعه زاهدان و نماینده حضرت امام در استان سیستان و بلوچستان می‌پردازد، شاید ابتدا یک مستند ساده به نظر آید، اما در واقع به مخاطب، روش‌های مردم‌داری و احترام به مذاهب مختلف را نشان می‌دهد.

کارگردان در ورای این فیلم ۴۵دقیقه‌ای، زندگی شخصی را نشان می‌دهد که در راستای اهداف اسلام، انقلاب و امام از هیچ کوششی دریغ نکرده و در هر جایی که باید، حضور داشته است. این روایت، اگرچه تعلیق آنچنانی ندارد، اما با نگاهی ساده، بیننده را با خود همراه می‌کند. سیدمهدی عبادی کسی است که با داشتن مسئولیت هم، با مردم عادی نشست و برخاست می‌کرد و جلوتر از هر سربازی در همه جا و حتی جبهه‌های جنگ و با دو فرزندش حضور داشت.

در مستند «داستان امام جمعه»، مخاطب کمی با کارهای انجام شده ایشان در استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان آشنا می‌شود. شاید در ابتدای انقلاب اگر کسی سخن از ایجاد حوزه علمیه در این استان می‌گفت، به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی و مذهب‌های مختلف در استان، با مخالفت‌هایی روبه‌رو می‌شد، اما او با فکر بلند و وسیعی که داشت، توانست این مهم را با تلاش به انجام برساند و پذیرای طلاب مختلفی از کشورهای همسایه نیز باشد.

همانگونه که در مستند می‌بینیم، یکی از اصلی‌ترین نتایج حضور سیدمهدی عبادی در زاهدان، وحدت شیعه و سنی بود. فیلم «امام جمعه» به ما طلبه‌ای را نشان می‌دهد که اسلام را فرا گرفته و نه تنها در حرف که در عمل هم به آن، پایبند است. او نمونهِ بارزی از عالمان عامل است؛ کسی که در چهره‌اش دینداری و در زندگی‌اش بندگی خداوند دیده می‌شد. این مستند، تجلیل پاسداشت علم او که نه، بلکه تجلیل از عمل سراسر از خدمت و رحمت و برکت اوست. به امید اینکه همه ائمه جماعات در شهرها و استان‌های‌مان نیز اینگونه عمل کنند.